

سخنی در مورد حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ستار فتحی (آویهنگ)

مجدداً تعدادی از کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست به بهانه سخنان اخیر لیدر این تشکیلات (کوروش مدرسی) که گفته است « اینبار بخاطر صرفه جوئی مالی کنگره دوم حزب را بصورت مخفی خواهیم گرفت» گله و شکایت هایشان را آغاز کرده اند.

مگر کنگره علنی قبل چه تغییری در وضعیت نابسامان این حزب ایجاد نمود که عده ای مصر در برگزاری کنگره بصورت علنی هستند! از این مهمتر آیا کنگره و سمینارهای آنها تا کنون توانسته موجب انسجام حزبی و یا پیشروی فعالیت هایشان شود؟

همگان میدانند در تمامی کنگره های حزب کمونیست کارگری (قبل از انشعابات گذشته در این جریان) و در کنگره اخیر حکمتیست ها، بجز اعضا و هواداران خودشان کسی در آن کنگره شرکت نداشت. کوروش مدرسی، اقوامش و نیز بسیاری از کادرهای این حزب مانند غفار غلام ویسی، مهرنوش موسوی، محمد فتاحی، نسان نودینیان، مختار محمدی و غیره بهتر از هر کسی بر این واقعیت واقفند.

بر اساس گفته شاهدان، در هر کنگره، سمینار و یا پکنیک تابستانی این حزب تنها یک نفر غیر حزبی در جلسات آنها حضور داشته و حتی گفته میشود این دوستان مثل کسانی که تا بحال آدم ندیده باشند از اول تا پایان جلسات فقط به آن فرد خیره می شدند. اگر میگویند اینطور نیست حاضرم آن افراد را به همه معرفی کنم. بنابراین چه تفاوتی دارد اگر این کنگره بصورت علنی و یا مخفی برگزار گردد؟

من (ستار آویهنگ) به تمامی رفقای سابق و تک تک اعضا و هواداران طیف کمونیست کارگری ها پیشنهاد میکنم دست از تحزب بردارند و مثل افراد مستقل به امر مبارزه مشغول گردند. این بنفع آنهاست و مسلماً بیشتر برای جامعه مفید خواهند بود. باید از ناکامی های گذشته درس گرفت و از تکرار شکست ها ممانعت کرد. کسی در صداقت، فداکاری، انساندوستی، انقلابی گری و کمونیست بودن آنها در گذشته شکی ندارد، منتهی مسیری را که در این سال ها برگزیده اند کاملاً اشتباه است. دنباله روی از کوروش مدرسی، حمید تقوایی، آذر ماجدی و... که تاکنون چندین حزب و سازمان عوض کرده اند و سپس باعث انهدام هر کدام از آن تشکیلات ها شده اند چه نفعی برای کارگران و توده های تحت ستم دارد؟

کوروش مدرسی مثل عبدالله مهتدی شیفته و عاشق قدرت می باشد در حیرتم چرا این دوستان به ایده های انحرافی نامبرده پشت بسته اند؟ زمانی هر کدام از آنان صدها برابر کوروش مدرسی خوشنام و برای توده های کارگر و زحمتکش عزیز بودند. اشخاصی همچون غفار غلام ویسی، مختار محمدی، نسان نودینیان، عبدالله دارابی و مجید حسینی تمام عمر و جوانی خود را وقف مبارزه کرده اند و هر یک نقش اساسی ای در مبارزات کارگران و زحمتکشان منطقه مریوان، ژاوه رو، کوماسی و کلاته رزان داشته اند اما متأسفانه اینروزها می بینیم مدرسی ها نام "مشتی قاسم" را روی برخی از این انسانهای از خود گذشته نهاده اند. اگر مردم منطقه از این مسائل خبردار شوند در دفاع از سوابق این انسانها بسختی با ابداع کنندگان این اسم برخورد میکنند. اصلاً قصد من از بیان این مسائل دفاع از غفار و یا سایرین نیست ولی نباید حقایق ها را بزبان نیاورد.

در خاتمه باید اضافه کنم خود شما این اشخاص را بزرگ کرده اید پس بایستی چوبش را هم بخورید. آخر کوروش مدرسی هیچگاه چهره ای توده ای و شناخته شده نبوده که شما می گوئید هزاران عکس و پوسترش را در منطقه پخش کرده اید. بی شک اگر عکس غفار غلام ویسی، مجید حسینی، عبدالله دارابی توزیع می شد کسی ایراد نمی گرفت.

Starf1955@hotmail.com